



مقدمه

از آنجایی که اجتهاد، هدف علم اصول فقه و ثمره آن است؛ در میان شیعه و اهل سنت، دارای پایگاه ویژه ای می باشد، همه مشکلات ناشی از بی قانونی، در پرتو شایستگی و کاردانی اجتهاد پویا، حل و فصل می گردند. در این روزگار بر اساس اندیشه شیعه، به خاطر دوری از رهبران معصوم، راهی به سوی علم به احکام شریعت جز اجتهاد وجود ندارد؛ (1) و هیچ مرجع دیگری را جز مجتهد نمی توان سراغ داشت که برای حوادث روزافزونی که در جوامع بشری پدید می آیند، حکم و قانون جامعی ارائه کند. بنابراین، اجتهاد و مرجعیت دینی، از اعتقادات مهم شیعیان در عصر غیبت به حساب می آید و سرچشمه تحولات سیاسی و اجتماعی بسیاری در جامعه می گردد.

تعریف اجتهاد

اجتهاد از ریشه «جهد» به معنای منتهای کوشش است. (2) و در اصطلاح فقیهان تعریف های فراوانی با اندک تفاوت ارائه شده است، مرحوم آخوند چنین تعریفی را تقریر کرده اند: «الاجتهاد هو استفراغ الوسع فی تحصیل الحجة علی الحكم الشرعی»؛ (3) اجتهاد به معنای بکارگیری توان و نیرو برای به دست آوردن دلیل و حجت بر احکام شرعی می باشد.

شهید مطهری می گوید: اجتهاد به طور سربسته به معنای صاحب نظر شدن در امر دین است، ولی صاحب نظر بودن و اعمال نظر کردن در امور دینی از نظر ما که شیعه هستیم دو گونه است؛ مشروع و ممنوع... که ممنوع آن

است که مجتهد حکمی را که در کتاب و سنت نیست با فکر خودش و رأی خودش وضع کند، این را در اصطلاح «اجتهاد به رأی» می گویند. این اجتهاد از نظر شیعه ممنوع است... و معنای صحیح اجتهاد یعنی به کار بردن تدبّر و تعقّل در فهم ادله شرعی، که البته احتیاج دارد به یک رشته علوم که مقدمه شایستگی و استعداد تعقّل و تدبّر صحیح و عالمانه می باشند. (4) و مرجع کسی است که مردمان در مسائل شرعی و دینی و سیاسی خویش به او مراجعه می کنند.

تاریخچه اجتهاد و مرجعیت

اجتهاد صحیح یعنی انطباق اصول و قواعد کلی بر فروع، از دیدگاه امامان معصوم - علیهم السّلام - امری ضروری و مورد اهتمام بوده است. امام صادق - علیه السّلام - می فرماید:

«انما علينا القاء الاصول و عليكم ان تفرعوا»؛ (5) ما بیان اصول می نماییم و تفریع فروع از اصول و تطبیق آن بر موارد برعهده شما است و یا امام باقر - علیه السّلام - به ابان بن تغلب فرمودند: «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده که من دوست دارم در میان شیعه کسانی مانند تو دیده شوند.»

بنابراین، اصل اجتهاد در عصر حضور امامان معصوم - علیهم السّلام - نیز وجود داشته است اما به دلیل حضور معصوم نیاز کمتری به اعمال اجتهاد بوده است، ولی در عصر غیبت چنین نیازی به سرحد کمال خود رسید.

بزرگان و بنیان گذاران اجتهاد

قدیمی ترین بنیانگذاران اجتهاد در فقه شیعه، دو دانشمند عهد قدیم معروف به قدیمین، یعنی ابن جنید اسکافی و ابن عقیل عمانی، بوده اند. سپس شیخ مفید به پا خاست و از عقاید آن دو بزرگوار در میان شاگردان خود، از جمله سیدمرتضی، علم الهدی و شیخ طوسی به نیکی یاد کرد، این شیوه ادامه یافت تا نوبت به علامه حلی رسید و پس از او شهید اول و فقیه فاضل، شیخ علی، و نیز شهید دوم راه او را ادامه دادند. (6) تا اجتهاد به عنوان ضرورتی در مسلک شیعه پایدار بماند و شکوفاتر گردد.

مقدمات اجتهاد

کسی که می خواهد با مراجعه به قرآن و حدیث، احکام شریعت را از آنها استخراج کند باید دارای علومی به عنوان مقدمه اجتهاد باشد، از این رو، شناخت علوم عربی و ادبیات عرب، تفسیر، علم کلام، علم اصول، فقه، منطق و فلسفه در حد لازم برای استنباط و شناخت حدیث و درایه و رجال، برای مجتهد امری لازم و ضروری است. (7)

البته شناخت اجماع، جستجو در فتاواهای فقهای پیشین و اطلاع از کلیات احکام شرعی و بلکه رد فروع بر اصول نیز می تواند در اجتهاد درست، مؤثر باشد.

اجتهاد پویا

از جمله، مسائلی که سبب شکوفایی اندیشه شیعه می شود باز و بی مانع بودن فضای فکری و اجتهادی صحیح در میان اندیشمندان شیعه است و با دستاورد اجتهاد پویا و زنده و مبتنی بر منابع (قرآن، سنت، عقل و اجماع) در هیچ يك از مسائل نو و جدید، توقفی ندارد و پاسخ قابل اطمینانی ارائه می کند و مشکلات را از سر راه مردم بر می دارد و در زمینه مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی پاسخگو می باشد.

عوامل مؤثر در اجتهاد پویا

پویایی اجتهاد و فقه مرهون زمان و مکان و شخصیت فقیه صاحب مکتب است.

زمان: به عنوان تحولی که در مقطعی از زمان رخ می دهد می تواند در فقه و اجتهاد تأثیرگذار باشد، توجه به مشکلات و تحولات در سیر تاریخی زمان، سبب گشته تا اجتهاد و فقه به قانونی پیش تاز و آینده نگر و جامع تبدیل شود و چنین سیر زمانی را به ترتیب در اجتهاد صدوقین، (8) قدیمین، (9) شیخین (10) و پس از آنان ابن ادریس، و ابن زهره، محقق و علامه و سپس محقق اردبیلی، فیض و محقق سبزواری می توان یافت.

مکان و جهان بینی: بدون شك، محیط و جهان بینی و طرز تفکر مرجع دینی در فتواهایش تأثیر بسیاری می گذارد. (11)

جایگاه مردمی مرجعیت

شیعیان با توجه به توصیه امامان و پیشوایان خویش در عصر غیبت تابع و پیرو مراجع و مجتهدان می باشند. (12) در طول تاریخ نیز، اقتدار نهاد مرجعیت آشکار و نمایان است. تا آنجا که فتوای مراجع نجف در دفاع از نهضت مشروطه و سرزنش محمدعلی شاه سرانجام باعث برکناری شاه شد. (13)

بارزتر از این نمونه برای بیان جایگاه مرجعیت، تأثیر فتوای مرجع بزرگ، آیت الله میرزای شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو می باشد که اعتراض عمومی بی نظیری را علیه حکومت ناصرالدین شاه قاجار به وجود آورد که دامنه آن دربار شاه را نیز فراگرفت. (14) سرانجام شاه به ناچار، با پرداخت غرامت به لغو این امتیاز تن داد.

ولی گویاترین نمونه برای دریافتن جایگاه مردمی مرجعیت، انقلاب اسلامی ایران است که تحقق آن بدون رهبری مرجعیت امکان ناپذیر بود.

با سخنرانی حضرت امام خمینی - قدس سره - بر علیه قانون «کاپیتولاسیون» حکومت، ایشان را تبعید کرد، پیامد آن اعتصاب و تظاهرات وسیع مردم شد.

افزون بر این، توهین روزنامه اطلاعات در سال 56 به مرجع شیعیان (حضرت امام) موجب شدید شدن موج انقلاب و گسترش پی در پی اعتراضات مردمی شد. (15)

بنابراین، کسانی چون امام (ره) برای مرجعیت ولایت در اموری قضایی، فتوا، و بلکه فراتر از این ولایت همه جانبه معتقد هستند و با دلایل عقلی و نقلی، چنین اختیاراتی را برای فقیهان از سوی معصومان - علیهم السلام - اثبات می کنند. (16) و با چنین رویکردی به تشکیل حکومت اسلامی اقدام نمودند.

جایگاه اجتهاد در قانون اساسی

اجتهاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دارای ارزش و مرتبه ای بس والا و بلند است، در اصل دوم قانون اساسی پایه های نظام جمهوری اسلامی را بر می شمرد و یکی از این پایه ها را چنین معرفی می کند:

«جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین - علیهم السلام - ... قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.» (17)

و در اصل پنجم همین قانون، در شرایط رهبری می گوید:

در عصر غیبت امام زمان - علیه السلام - ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است. (18)

بنابراین، با توجه به جایگاه اجتهاد در رهبری و برخی از مناصب دیگر نظام، همچون اجتهاد فقهای شورای نگهبان و قوه قضائیه، اجتهاد نقش مهم و اساسی در زیربنای جمهوریت و اسلامیت قانون اساسی ایران دارد.

ضرورت اجتهاد در عصر حاضر

امروز فقه شیعی با انبوهی از مشکلات، سؤال‌های جدید و نوظهور و بی‌سابقه حقوقی، اقتصادی، قضایی، پزشکی، سیاسی و ... روبرو است، همه وظایف و شئون زندگی مردمان در حیطه فقه جای می‌گیرد و هزاران پرسش که پاسخ مناسب می‌خواهند. بنابراین دایره اجتهاد به وسعت همه زمینه‌های زندگی بشری است. و انجام چنین کاری از عهده کارهای فردی خارج است. محقق قمی در این زمینه می‌فرماید:

«چنین کاری به طور معمول محال است، هیچ پژوهشگری نمی‌تواند در مورد همه احکام و مسائل فقهی اجتهاد کند و برای هیچ کس کشیدن این بار سنگین امکان ندارد. این کار، محال عادی، بلکه محال عقلی است، زیرا مسائل فقهی نامتناهی هستند.» (19)

بر اساس چنین گستردگی و لزوم پاسخگوئی به همه مسائل زندگی مردم و پرسشهای عصر حاضر، عمل به پیشنهاد تخصصی شدن توسط حاج شیخ عبدالکریم یزدی و پیرو آن شهید مطهری، امری لازم و ضروری است. (20) و اکنون حوزه علمیه به سوی تخصصی شدن و به وجود آمدن رشته‌های تخصصی در فقهات پیش می‌رود.

نتیجه گیری

مجتهد کسی است که با کسب علوم مقدماتی، به عنوان اسلام شناس و ارائه دهنده احکام شریعت مطرح می‌شود، مردمان پس از امامان معصوم - علیهم السلام - مراجع را جانشین ایشان می‌دانند، و خود را ملزم می‌دانند در مسائل شرعی، داوری و قضاوت، سیاست و حکومت، از ایشان پیروی کنند، نمونه‌های بارز پیروی مردم از نهاد مرجعیت، همانند نهضت مشروطه، جنبش تنباکو، کاپیتولاسیون و جریان انقلاب اسلامی نمایان و آشکار است.

بلکه باید گفت مراجع پاسخگویی همه مسائل و شئون زندگی انسان‌ها هستند.

- (1) . علی الدوانی، هزاره شیخ الطوسی، قم: دار التبلیغ الاسلامی، بی تا، ج 2، ص 27.
- (2) . الیاس انطون الیاس، القاموس العصری، ترجمه با عنوان (فرهنگ نوین عربی - فارسی)، به اهتمام سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات اسلامی، چ دهم، بی تا، ج 1، ص 126؛ و عبدالنبی قیّم، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، 1381ش، ص 377.
- (3) . محمد کاظم آخوند خراسانی، کفایه الاصول، قم: موسسه النشر الاسلامی، 1418 ق، ج 2، ص 528؛ و سید ابوالقاسم خویی، مصباح الاصول، قم، الغدیر، 1408، ج 3، ص 434؛ و علامه محمدحسین طباطبایی، حاشیه الکفایه، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، بی تا، ص 301، مراد از اجتهاد این است مکلف مقدماتی عقلائی را ترتیب دهد که او را به علم به تکلیفی که متوجه اوست برساند.
- (4) . مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، 1378 ش، ج 20، ص 164 - 167.
- (5) . محمدبن الحسن الحر العالمی، وسائل الشیعه، کتاب القضاء، باب 6، از ابواب صفات القاضی، حدیث 51 و 52.
- (6) . محمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، چ سنگی قدیم، ص 168 به نقل از مدارک.
- (7) . روح الله خمینی، رساله الاجتهاد و التقليد، در ضمن مجموعه رسائل، قم، اسماعیلیان، ص 116.
- (8) . شیخ صدوق، و پدرش ابن بابویه.
- (9) . ابن جنید اسکافی و ابن ابی عقیل یمانی.
- (10) . شیخ مفید و شیخ طوسی.
- (11) . مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، 1378ش، ج 20، ص 166.
- (12) . کلینی، اصول کافی، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث، ج 1، ص 67، حدیث 67؛ و وسایل الشیعه، ج 18، ص 303، حدیث 6؛ و شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، چ قدیم، کتاب القضاء، ج 3، ص 303، حدیث 53.
- (13) . ر.ک: مهدی ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات علمی، چ چهارم، 1373ش، ص 721.
- (14) . نیکی کدی، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم، 1369 ش، ص 114.
- (15) . صادق زیباکلام، مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات روزنه، 1372 ش، ص 131 - 132.
- (16) . روح الله الموسوی الخمینی، کتاب البیع، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، 1365 ش، ص 448؛ و ولایت فقیه، ص 112.

(17) . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل دوم.

(18) . همان، اصل پنجم.

(19) . محقق قمی، قوانین الاصول، چ سنگی، باب اجتهاد.

(20) . شهید مرتضی مطهری، پیشین، ص 182.